

مطالعه تطبیقی شیوه تولید و بهره‌برداری کشاورزان ساکن و غیرساکن از منابع روستا

(مطالعه موردی: دهستان حومه، شهرستان هرسین)

جعفر توکلی*: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

هادی الماسی: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

وصول: ۱۳۹۳/۷/۶ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳، صص ۸۶-۶۵

چکیده

امروزه روستاها در سایه پیشرفت ارتباطات و گسترش تبدلات گوناگون، فضایی بسیار پویاتر از گذشته دارند. در چنین بستری، خانوارهای چندفضایی نظیر کشاورزان غایب شکل گرفته‌اند. هدف پژوهش حاضر، شناسایی ویژگی‌های این گروه از بعد نحوه سازماندهی تولید و بهره‌برداری از منابع تولیدی روستاست. در این راستا، ۶ روستای نمونه از دهستان حومه شهرستان هرسین انتخاب شدند. از ۱۹۶ خانوار ساکن این روستاها طبق فرمول کوکران، نمونه‌ای برابر ۱۴۰ خانوار محاسبه شد و ۹۰ نفر کشاورز شهرنشین نیز تمام‌شماری شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که روایی آن را متخصصان موضوعی تأیید کردند و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد ($\alpha = 0.838$). یافته‌ها نشان داد، فعالیت‌های باغداری و دامداری در کشاورزان غایب به‌شدت کمتر از همگان ساکن روستاست. اراضی آبی و باغی آنها نیز کمتر است و به‌طور عمده در روستا خانه ندارند و در مقابل، وسایل نقلیه شخصی بیشتری دارند. مالکیت ماشین‌آلات کشاورزی در بین آنها ناچیز است و اغلب اجاره می‌کنند. از نظر رعایت تناوب زراعی و کشت دوم از کشاورزان مقیم عملکرد ضعیف‌تری دارند. اتکای بیشتری به نیروی کار دستمزدی دارند و میزان بیمه‌پذیری در آنها بسیار کم است. علاوه بر اینکه درآمد خود را کمتر از کشاورزان ساکن ارزیابی می‌کنند، عمده‌مازاد اقتصادی خود را در شهر سرمایه‌گذاری می‌کنند. در قیاس با کشاورزان ساکن، عملکرد خود در کلیه مراحل تولید را ضعیف‌تر ارزیابی کرده‌اند و آزمون همبستگی نشان داد، این ضعف عملکرد تا حد زیادی با عامل فاصله از روستا، سال‌های سکونت در شهر، مدت سکونت فصلی در روستا و میزان اراضی زراعی در ارتباط است؛ بنابراین پیش از هرگونه سیاست‌گذاری و اقدام در ارتباط با توسعه روستاها و کشاورزی کشور، گونه‌شناسی کشاورزان و راهبردهای معیشت ایشان و نیز آسیب‌شناسی روندهای جاری تولید و بهره‌برداری از منابع روستا در ارائه الگوی مدیریت بهینه این منابع راهگشاست.

واژه‌های کلیدی: روستاگرایی، کشاورزی پاره‌وقت، کشاورزان غایب، سکونت فصلی، دهستان حومه، شهرستان هرسین

مقدمه

در سایه نوآوری‌های پرشمار فن‌شناسانه، روابط جوامع انسانی و تعاملات بین عرصه‌های روستایی و شهری افزایش یافته است و تغییر شرایط و روابط جوامع و سکونتگاه‌های انسانی علاوه بر سرعت و تداوم، از تمامیت و به‌هم‌پیوستگی^۱ زیادی نیز برخوردار شده است (وودز، ۱۳۹۰، ۴۷). از این رو، تفکیک شهر از روستا و گروه‌های روستایی از شهری به سادگی گذشته نیست. سنت جغرافیا و برخی علوم دیگر در تعریف و تحدید مرزها و ویژگی‌های شهر و روستا رنگ می‌بازد. اکنون بسیاری از ویژگی‌های نسبت داده شده به جوامع شهری و روستایی مصداق خود را از دست داده‌اند. ملاک‌هایی مانند جمعیت، اشتغال، تجانس، تحرک اجتماعی، روابط متقابل و به‌طور کلی تمایزات بین جامعه روستایی و شهری کمتر شده است. نبوده‌ها و کمبودهای روستا در حال کاهش است و روحیات روستاییان نیز به همگان شهری نزدیک‌تر شده است (جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ۶۳). بر این اساس، در رویکردهایی مانند رویکرد سیستمی^۲، رویکرد سرزمینی^۳، رویکرد پیوستار شهری-روستایی^۴، سکونتگاه‌های موجود در یک پهنه جغرافیایی را نمی‌توان به شیوه بولین (سیاه و سفید، صفر و یک، شهر و روستا) از یکدیگر تفکیک کرد، بلکه طیفی از سکونتگاه‌ها که در دو سوی آن جوامع کاملاً شهری و روستایی قرار می‌گیرند، وجود دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۳).

شکل‌گیری چنین پیوستاری بازتاب فضایی-مکانی پیشرفت شگرف حمل و نقل و ارتباطات است که فرصت‌های جدیدی را فراروی جوامع انسانی قرار داده

است و بازساخت فضاهای جغرافیایی و روابط شهر و روستا را بر پایه شرایط نوین مقدور ساخته است. بدین ترتیب روابط، نقش‌ها و کارکردهای شهر و روستا متحول شده و مفاهیمی چون تخصص‌گرایی و تفکیک کارکردهای سکونتگاهی شکل گرفته است. پدیده خزش شهری، تبدیل روستاها به حومه‌های خوابگاهی، ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در اطراف کلان‌شهرها، همگی نمونه‌های بارز این واقعیت هستند که انسان عصر جهانی شدن، همه کارکردهای اساسی زندگی خویش را در یک مکان خاص جست‌وجو نمی‌کند.

در این میان پدیده‌ای که کمتر به آن توجه شده است، شهرنشینی کشاورزان و تبدیل تدریجی روستا به مکانی برای فعالیت اقتصادی (کشاورزی) است که گاه در نهایت منجر به تبدیل روستا به مزرعه و در اغلب موارد موجب شکل‌گیری گروه کشاورزان غایب می‌شود. این وضعیت عمدتاً از کمبود امکانات و خدمات ضروری در عمده‌روستاها کشور و نیز محدودیت بسیار زیاد فرصت‌های شغلی در شهرهای میانی، شهرهای کوچک و خام‌شهرها ناشی می‌شود (شکویی، ۱۳۷۹، جلد ۱، ۴۱۵؛ زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲، ۵۵۰). در نتیجه روستاییان ترجیح می‌دهند یا به کلان‌شهرها مهاجرت کنند و یا با سکونت در یکی از شهرهای میانی و کوچک، ضمن برخورداری نسبی از امکانات و خدمات بهتر، فعالیت اقتصادی خویش در روستا را استمرار بخشند. در مورد اخیر، علاوه بر عامل یادشده، انگیزه‌هایی نظیر برقراری ارتباط با زادگاه، حفظ مالکیت‌ها و منافع مادی و نیز موقعیت اجتماعی در روستا نیز مؤثر است.

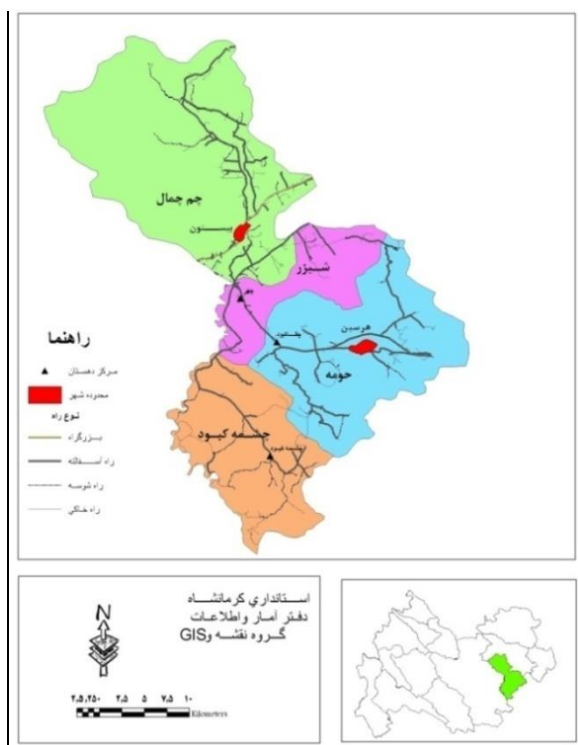
تحولات یادشده موجب شد روستاییان در یک اجتماع روستایی دیگر انسجام و یکپارچگی گذشته را نداشته باشند. در درون روستاها نیز گروه‌هایی با

^۱ -interconnectivity

^۲ -System approach

^۳ -territorial approach

^۴ -rural- urban continuum



شکل ۱- موقعیت دهستان حومه در شهرستان هرسین

بر این اساس مسئله اصلی پژوهش این است که پیدایش گروه متمایز کشاورزان غایب در روستا چه اثری بر سازماندهی تولید و بهره‌برداری از منابع تولیدی روستا داشته است؟ در این راستا پاسخگویی به چند پرسش فرعی نیز مدنظر بوده است: (۱) از نظر مالکیت اراضی و سایر امکانات، چه تفاوتی بین کشاورزان غایب و ساکن روستا وجود دارد؟ (۲) از جنبه مناسبات تولیدی، درآمد خانوار و سرمایه‌گذاری چه تفاوت‌هایی بین گروه‌های بررسی وجود دارد؟ (۳) کشاورزان غایب و ساکن از لحاظ فرایند تولید محصول غالب، چه تمایزی نسبت به هم دارند؟

مبانی نظری و پیشینه

مروری در منابع موجود نشان می‌دهد، نظریه‌ها و مدل‌هایی که به گونه‌ای مناسب و جامع، موضوع

شیوه‌های زندگی^۱ گوناگون و راهبردهای معیشت^۲ متعدد شکل گرفته‌اند. تعامل کشاورزان ساکن و غایب با منابع محیطی روستا، تعامل یکسان و هماهنگی نیست و هر گروه بسته به راهبرد معیشتی خود، تعامل محیطی و نظام بهره‌برداری خاصی را دنبال می‌کنند که از نظر اندازه مزرعه، حجم و تنوع فعالیت‌ها، الگوی کشت، روش‌های آبیاری، مدیریت مزرعه و... کثیف‌سازی، شهرنشین و غایب هرچند از حیث استمرار کارکرد اقتصادی روستا مثبت ارزیابی می‌شود، اما از جنبه بهره‌وری و نوع تعامل با محیط تأثیرات درخور توجهی دارد که ممکن است، پیامدهای محیطی- فضایی دیگری را به منصفه ظهور برساند. از این‌رو، شناخت خصیصه‌ها و عملکرد کشاورزان غایب (شهرنشین) بر روابط و مناسبات تولیدی روستا یکی از ضرورت‌های شناخت تحولات نوین روستاها و در پی آن برنامه‌ریزی روستایی محسوب می‌شود.

دهستان حومه به‌عنوان محدوده بررسی حاضر، از توابع شهرستان هرسین استان کرمانشاه، دارای ۳۱ روستا و ۹۰۱۰ نفر جمعیت است (استاندارد کرمانشاه، ۱۳۹۰، ۵۱). عمده‌روستاهای دهستان باوجود توان‌های مناسب توسعه، کمابیش با مشکلات متعددی چون بهره‌وری اندک تولید، دسترسی محدود به خدمات زیرساختی- رفاهی، آموزشی و بهداشتی روبه‌رو هستند. از این‌رو، علاوه بر مهاجرفرستی روستاها فرایند شهرنشین شدن کشاورزان نیز طی سال‌های اخیر شیوع بسیاری یافته است و در بسیاری روستاها شاهد پیدایش دو گروه کشاورز غایب و ساکن هستیم.

¹-Life styles

²-livelihood Strategies

تکوین، پیدایش و پیامدهای پدیده کشاورزان غایب (شهرنشین) را تبیین کند، اندک است. منابع محدود موجود اغلب به مقوله کشاورزان پاره‌وقت^۱ پرداخته‌اند که الزاماً شهرنشین نیستند؛ بلکه بسیاری از آنها در روستا اقامت دارند و به دلایل گوناگون کشاورزی خود را به صورت پاره‌وقت مدیریت می‌کنند.

در این ارتباط برخی صاحب‌نظران بر تحولات و دگرگونی‌های جامعه روستایی و تأثیر آن بر شکل‌گیری راهبردهای جدید معیشتی روستاییان تأکید دارند. چنانکه شاریه^۲ می‌گوید، در گذشته نسل‌های مختلف جامعه روستایی به صورت یکسان و یکنواخت زندگی می‌کردند. افزایش ارتباط ده با سایر نقاط سرآغاز تقلید از فرهنگ خارج از محیط روستا شد. تردد روستاییان به شهر، ورود شهریان به روستا، رادیو، روزنامه و... همه در بینش و تصور روستایی تأثیر گذاشتند و به این ترتیب هماهنگی و یکنواختی زندگی روستایی به هم خورد و شرایطی پیش آمد که روستاییان میل شدیدی در تقلید شیوه‌های شهرنشینی دارند (شاریه؛ به نقل از میرزایی‌قلعه و همکاران، ۱۳۹۲، ۹۰). در نتیجه این تحولات، تحرک اجتماعی، شغلی و جغرافیایی در جامعه روستایی افزایش یافت که یکی از نمودهای آن افزایش پیدایش پدیده شهرنشینی کشاورزان، کشاورزان غایب^۳ و پاره‌وقت است.

آپتون و پیرس نابرابری‌های ناحیه‌ای را در این زمینه مؤثر دانسته‌اند و معتقدند فرایند توسعه اقتصادی موجب بروز نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌شود. به دلیل این نابرابری‌ها، کشاورزان ناگزیرند در نواحی محروم برای حفظ بقای خود، به کار در خارج از روستا روی آورند و این به‌عنوان مرحله گذار، مقدمه مهاجرت دائمی آنها از روستاست (Upton & Pearce, 1982, 202). بر

اساس نظریه کارکردگرایی در کشورهای جهان سوم، نیاز به نیروی کار در بعضی از مناطق پیشرفته و وجود نیروی کار اضافی در مناطق توسعه‌نیافته، موجب پیدایش مهاجرت به‌عنوان عامل تعادل‌بخش به این عدم تعادل منطقه‌ای خواهد شد. از دیدگاه کارکردگرایان، آثار مهاجرت مثبت است (جمعه‌پور و تراکمه، ۱۳۹۲، ۱۱۶). بخشی از این مهاجران به‌طور هم‌زمان به‌عنوان کشاورزان پاره‌وقت و غایب در روستا از منابع در اختیار خانوار بهره‌برداری می‌کنند. در هر حال از مظاهر روابط متقابل فضایی شهر و روستا شکل‌گیری خانوارهای چندفضایی^۴ است که در آن تمام یا بخشی از اعضای خانوار در شهر و سایرین در روستا اقامت کرده‌اند و بدین ترتیب از فرصت‌های مکمل موجود در شهر و روستا به نفع بقای خانوار استفاده می‌کنند (ظاهرخانی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۳، ۸۸). تصمیم‌گیری برای سکونت در روستا یا شهر و نیز اقدام برای بهره‌برداری از منابع خانوار در روستا، در چارچوب جغرافیای رفتاری نیز قابل بررسی است. تصمیم‌گیری فرد در این مورد به ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌های فردی یا جمعی و باورهای او بستگی دارد که این عناصر خود تحت تأثیر نظام اجتماعی و روابط حاکم بر نظام فضایی منطقه (اعم از شهر و روستا) است (فیروزنیا، ۱۳۸۹، ۴).

همچنین در چارچوب نظریه زوال فاصله باید به تبیین مهاجرت و به تبع آن پدیده شهرنشینی شدن کشاورزان پرداخت. بر اساس این نظریه، فاصله به‌عنوان شاخصی مطلق و نسبی، از جمله عوامل اساسی در تعیین روابط و تعامل بین مکان‌هاست. از این‌رو، مهاجرت و جابه‌جایی انسان‌ها از مکانی به مکان دیگر تابع ارتباطات و قوانین خاص خود است. برای نمونه بر اساس مدل جاذبه، جریان مهاجرت بین

^۱ - Part-time farmers

^۲ - J.B. Charrier

^۳ - absentee Farmers

^۴ - Multi-spatial households

کشت می‌برند که زمان دسترسی به آنها کمتر باشد و بخش‌هایی از مزرعه خود را بایر رها می‌کنند. از دامداری که نیازمند تخصیص زمان بیشتر و منظم است، پرهیز می‌کنند (Grigg, Kada, 1982, 367) ؛ Bakker & Van Doorn, 2009, 816:1984, 134 ؛ بیات و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۶۹).

اشمیت در مقایسه بین کشاورزان پاره‌وقت و تمام‌وقت نشان داد که از نظر ویژگی‌های فردی، سازماندهی تولید و بهره‌وری بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. کشاورزی گروه اخیر فشرده‌تر بوده است و از نظر تولید در واحد سطح، تولیدات دامی، غلات و شیر وضعیت بهتری دارند. در حالی که کشاورزان پاره‌وقت، سرمایه‌گذاری بیشتری در واحد سطح انجام می‌دهند، گروه تمام‌وقت نیروی انسانی بیشتری را به فرایند تولید اختصاص می‌دهند. همچنین، یکی از پیامدهای کشاورزی پاره‌وقت خروج نیروی انسانی از بخش کشاورزی است. چرا که فرزندان این کشاورزان به‌واسطه آموزش و کسب مهارت‌های غیرکشاورزی به کار در مزرعه علاقه چندانی ندارند و با اجاره و فروش زمین، به‌طورکلی از فعالیت در مزرعه فاصله می‌گیرند (Schmitt, 1984:131). بررسی انجام‌شده در آمریکا نشان می‌دهد، کشاورزان غایب در مقایسه با مزرعه‌دارانی که سکونت دائمی دارند، سابقه زراعی محدودتری دارند، در مناطق شهری زندگی می‌کنند، از سطح آموزش و تحصیل بالاتری برخوردارند و وابستگی کمتری به درآمد مزرعه دارند. همچنین در زمینه مدیریت مزرعه و برقراری ارتباط با آژانس‌های ترویجی و مقامات محلی فعالیت کمتری دارند و این شرایط به هنگام اجاره زمین از دیگران بسیار وخیم‌تر می‌شود (Petrzelka et al, 2013, 157).

بررسی انجام‌شده در تانزانیا نشان داد، تأثیر

شهرها رابطه مستقیم با اندازه جمعیت و ارتباط معکوس با فاصله آنها از یکدیگر دارد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳). همین رابطه در مورد پدیده شهرنشین شدن کشاورزان و نیز کشاورزی پاره‌وقت مصداق دارد و بررسی‌های موجود نشان داده است که این نوع از کشاورزی به نسبت کاهش فاصله تا شهرها افزایش می‌یابد (Grigg, 1984: 131).

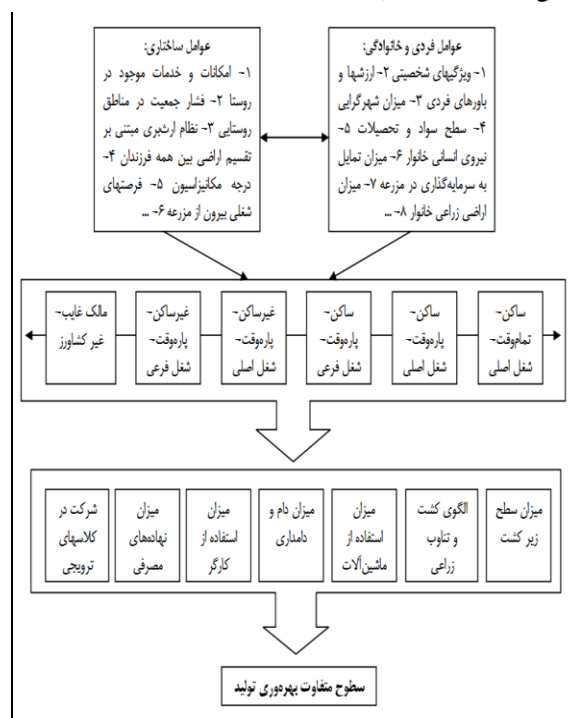
برخی صاحب‌نظران با توجه به اوضاع و احوال کشورهای پیشرفته، شکل‌گیری کشاورزی پاره‌وقت را در چارچوب عواملی چون افزایش فرصت‌های شغلی بیرون مزرعه، کوچک شدن اندازه مزارع، رشد سریع قیمت اراضی، تخصص‌گرایی، گسترش فناوری و کاهش فرصت‌های شغلی تمام‌وقت در بخش کشاورزی بررسی می‌کنند (Kada, 1982, 367) ؛ Paudel & Brookfield & Parsons, 2007, 48 ؛ Wang, 2002, 10). در کشورهای در حال توسعه، گسترش کشاورزی پاره‌وقت و پیدایش کشاورزان غایب ناشی از فشار جمعیت در مناطق روستایی، روند رو به تزاید مهاجرت روستاییان به شهرها و نظام ارث‌بری مبتنی بر تقسیم زمین بین همه فرزندان است که موجب کوچک شدن بیش از حد اراضی می‌شود. این وضعیت مهاجرت به شهرها را تشدید و بخشی از کشاورزان را تبدیل به کشاورزان غایب می‌کند (Mbonile, 2003, 2).

جستاری در پیشینه موضوع نیز گویای آن است که رویکردها و قضاوت‌های متفاوتی در مورد کشاورزان غایب یا (با کمی اغماض) کشاورزان پاره‌وقت وجود دارد. اندازه مزارع این افراد، کوچکتر از متوسط اراضی منطقه است. عملکرد مزرعه در زمینه مدیریت زمین و استفاده و نگهداری از ماشین‌آلات در مقایسه با کشاورزان دائمی کمتر است و عمدتاً از زمین بهره‌برداری فشرده‌ای نمی‌کنند. زمین‌هایی را زیر

نشان می‌دهند، کشاورزی پاره‌وقت در مقایسه با کشاورزی تمام‌وقت، بهره‌وری و کارآمدی کمتری ندارد. درست است که کشاورزان پاره‌وقت محصولات محدودتری را می‌کارند و یا سطح زیر کشت خود را به گونه‌ای کاهش می‌دهند که بتوانند مزرعه را به خوبی مدیریت کنند، اما این به معنای بهره‌وری کمتر آنها نیست؛ بلکه نسبت به کشاورزان تمام‌وقت و اجاره‌داران کارآمدتر هستند و از نظر کارآمدی فناورانه، تفاوت‌های قاعده‌مندی با آنها ندارند (Lien et al, Paudel & Wang, 2002, 10)؛ (Brookfield & Parsons, 2007: 187, 14, 2008).

به نظر می‌رسد، این تفاوت درخور توجه در نتایج بررسی‌ها تا حد زیادی به عوامل شکل‌گیری و گونه‌شناسی کشاورزان پاره‌وقت و غایب از انگیزه و نیز میزان سرمایه‌گذاری در کشاورزی بازمی‌گردد. چنانکه گریگ دو گونه مشخص از کشاورزی پاره‌وقت را شناسایی می‌کند؛ یک گروه کسانی که زمین دارند و اساساً کشاورز هستند و با هدف افزایش درآمد به مشاغل دیگری می‌پردازند، گروه دوم کسانی که مشاغل تمام‌وقت شهری دارند و به منظور سرمایه‌گذاری، کاهش مالیات و یا تفریح و سرگرمی به کشاورزی پاره‌وقت می‌پردازند و گرایش به زندگی شهری در کشاورزان غایب در این زمینه تعیین‌کننده است. در هر حال می‌توان ادعا کرد، همان‌گونه که بین شهر مطلق و روستای محض پیوستاری از فضاها و سکونتگاه‌های میانی با کارکردها و خصیصه‌های هر دو سکونتگاه وجود دارد، پیوستاری نیز از بعد نوع بهره‌برداری انسان از منابع و زمین در اختیار در محیط‌های روستایی قابل تشخیص است.

کشاورزان غایب بر نظام بهره‌برداری، الگوی کشت و تنوع زیستی مزرعه به فاصله بین مزرعه و محل اقامت ایشان بستگی دارد. فاصله، موجب محدودشدن دفعات سرکشی به مزرعه و کاهش میزان نهاده‌های مصرفی در مزرعه شده است. از این‌رو، ۶۳/۵ درصد کشاورزان غایب، محصولاتی مثل موز و قهوه را انتخاب می‌کنند که نیاز به سرکشی و نیروی کار کمتری دارند و فقط ۲۹ درصد آنها به دامداری نیز می‌پردازند (Mbonile, 2003: 11-13). سنجش سطح توسعه‌یافتگی کشاورزی دهستان قراتوره شهرستان دیواندره نشان داد، در بین ۲۷ روستای مورد مطالعه، روستای عزیزآباد از نظر شاخص‌های توسعه کشاورزی در رتبه بیست و ششم قرار دارد. دلیل عمده این وضعیت فصلی و خالی از سکنه‌شدن روستا و حضورنداشتن دائمی کشاورزان در محل بوده است (مرادی، ۱۳۹۱، ۱۲۸).



شکل ۲- پیوستار بهره‌برداری از منابع روستا و عوامل و پیامدهای آن

در مقابل، برخی مطالعات اخیر در اروپا و آمریکا

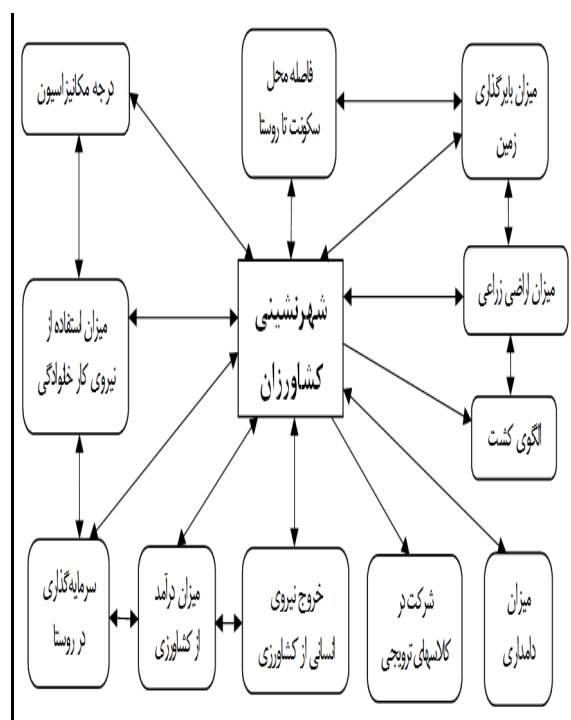
حومه از توابع شهرستان هرسین با جمعیتی برابر ۱۹۹۰ خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). از این تعداد، ۶ روستا به صورت قضاوتی انتخاب شدند که علاوه بر موقعیت طبیعی متفاوت و فاصله از شهر و جمعیت، عمده‌ترین ملاک انتخاب آنها وجود دو گروه بهره‌بردار ساکن و غایب (شهرنشین) در روستا بود.

جدول ۱- توزیع نمونه به تفکیک روستاهای مورد بررسی (خانوار)

ردیف	نام روستا	سکنه روستا	نمونه	ساکن شهر
۱	پریوه علیا	۲۰	۱۴	۱۵
۲	مله حسن بقعه	۲۹	۲۱	۲۰
۳	سرآبادیه سفلی	۸۲	۵۸	۲۰
۴	مله ولی	۲۷	۲۰	۱۵
۵	قملیچه	۲۴	۱۷	۱۰
۶	انجیرک	۱۴	۱۰	۱۰
	جمع	۱۹۶	۱۴۰	۹۰

بنابراین جامعه آماری پژوهش، شامل ۲۸۶ سرپرست خانوار ساکن روستا یا شهرنشین هستند. از ۱۹۶ خانوار ساکن روستا، طبق فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای برابر ۱۴۰ خانوار محاسبه شد و ۹۰ نفر سرپرست خانوار ساکن شهر (کشاورزان غایب) نیز به صورت تمام‌شماری بررسی شدند. توزیع نمونه در مورد گروه نخست (ساکن روستا) با استفاده از روش انتساب متناسب بین روستاهای مورد بررسی انجام شده است. همچنین در مورد گروه یادشده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بهره‌گیری شد (جدول ۱).

در انجام عملیات میدانی از ابزار پرسشنامه و روش پرسشگری مستقیم بهره‌گیری شد. روایی^۲ ابزار از



شکل ۳- مدل مفهومی پژوهش

یک‌سوی این پیوستار کشاورز دایمی ساکن روستا و سوی دیگر آن کشاورز غایب و فراتر از آن مالکان غایب^۱ قرار دارند که از نظر سکونت در روستا، مدت درگیربودن در کشاورزی و وضعیت شغلی در گروه‌های مشخصی قابل تفکیک‌اند (شکل ۲).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، به لحاظ نوع توصیفی-تحلیلی از نظر هدف کاربردی و از بعد گستره موردی است. جمع‌آوری اطلاعات به گونه اسنادی و میدانی سازماندهی شده است. برای بررسی شیوه بهره‌برداری کشاورزان غایب (شهرنشین) با تکیه بر مبانی نظری و پیشینه و نیز مصاحبه‌های انجام‌شده در محل، شاخص‌های متعددی در زمینه مالکیت و تصرف، تولید و درآمد و فرایند تولید محصول غالب، تعریف و ارزیابی شد. واحد تحلیل بررسی ۳۱ روستای دهستان

^۲ . Validity

^۱ - Absentee landowners

می‌برند. میانگین سنی دو گروه، حدود ۵۰ سال است و بین دو گروه ساکن شهر و روستا از نظر سنی تفاوت معناداری وجود ندارد.

همچنین میانگین بعد خانوار برای بهره‌برداران ساکن روستا و شهر به ترتیب برابر ۵/۳۶ و ۵ نفر است که تفاوت زیادی با هم ندارند. وضعیت سواد گروه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، میزان سواد بهره‌برداران ساکن شهر قدری نسبت به همگان روستایی خویش بهتر است. برای نمونه میزان بی‌سوادان در گروه اخیر ۱۵ درصد بیشتر از گروه ساکن شهر است.

هرچند از نظر شغلی هر دو گروه کشاورزان غایب و ساکن روستا به کشاورزی به‌عنوان شغل اصلی اشتغال داشتند، اما دامنه و تنوع فعالیت‌های دو گروه در این زمینه متفاوت است که بازتاب شیوه سکونت و میزان حضور فرد در روستاست. چنانکه فعالیت‌های باغداری و دامداری در گروه کشاورزان غایب به‌شدت کمتر از همگان ساکن روستاست و حدود ۹۴ درصد آنها صرفاً به زراعت اشتغال دارند. در حالی که در مورد سکنه روستا حدود ۹۲ درصد علاوه بر زراعت به دامداری به‌عنوان فعالیت مکمل توجه دارند. نتیجه آزمون من‌ویتنی نیز معناداری تفاوت بین دو گروه را تأیید کرده است. دلیل عمده این وضعیت از دیدگاه پاسخگویان، نیاز باغداری و دامداری به مراقبت شبانه‌روزی و منظم و در نتیجه ضرورت سکونت دائم در محل است.

طریق مراجعه به متخصصان موضوعی تأیید و پایایی^۱ آن پس از انجام پیش‌آزمون از طریق آزمون آلفای کرونباخ^۲ بررسی شد. نتیجه آزمون نشان داد، مقدار آلفا برابر ۰/۸۳۸ و بنابراین ابزار پژوهش از پایایی لازم برخوردار بوده است. برای تحلیل یافته‌ها علاوه بر آماره‌های توصیفی، از آزمون‌های تی مستقل، من‌ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن در چارچوب قابلیت‌های نرم‌افزار SPSS بهره‌گیری شد.

یافته‌ها

• ویژگی‌های فردی

جنسیت تمام پاسخگویان (۲۳۰ نفر) مرد بوده است. همچنین، حدود ۹۸ درصد ایشان متأهل بودند و این نسبت در هر دو گروه ساکن شهر و روستا یکسان است. از ۹۰ پاسخگوی ساکن شهر، ۸۹ نفر ساکن هرسین و فقط یک نفر ساکن شهر کرمانشاه است. حداقل فاصله این افراد تا روستا ۸ و حداکثر ۲۱ کیلومتر است که بر میزان حضور در روستا، الگوی بهره‌برداری و نوع فعالیت اقتصادی تأثیرگذار است.

متوسط سال‌های سکونت در شهر این گروه ۱۷/۵ و مقادیر حداقل و حداکثر آن به ترتیب ۸ و ۳۰ سال است. ۸۰ درصد افراد یادشده، اقامت ماهانه در روستا ندارند و ۱۵/۵ درصد ایشان یک تا دو ماه در روستا اقامت می‌کنند. الگوی غالب موجود، تردد روزانه بین شهر و روستاست. ۷۵/۵ درصد ترددکنندگان نیز بین یک تا دو روز در هفته در روستا حضور دارند و بقیه ایام در شهر به سر

^۱ . Reliability

^۲ . Cronbach's alpha

جدول ۲- متغیرها و شاخص‌های پژوهش

مالکیت و تصرف	۱- اراضی زراعی ملکی یا تحت تصرف دایمی (هکتار) ۲- اراضی زراعی آبی (هکتار) ۳- اراضی زراعی دیم (هکتار) ۴- اراضی باغی (هکتار) ۵- اجاره زمین از/ به دیگران ۶- مالکیت چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق (حلقه) ۷- مالکیت/ اجاره ماشین‌آلات کشاورزی ۸- برخورداری از منزل مسکونی در روستا ۹- مالکیت وسیله نقلیه	
تولید درآمد	۱- آیش‌گذاری زمین ۲- رعایت تناوب زراعی ۳- انجام کشت نوبت دوم ۴- بهره‌برداران تحت پوشش بیمه کشاورزی ۵- استفاده از کارگر روزمزد ۶- حضور در کلاس‌های آموزشی- ترویجی ۷- تعداد واحد دامی ^۱ هر بهره‌بردار ۸- متوسط درآمد سالانه خانوار ۹- سهم دامداری در درآمد خانوار (درصد) ۱۰- سهم صنایع دستی در درآمد خانوار (درصد) ۱۱- سهم فعالیت‌های زراعی و باغی از درآمد خانوار (درصد) ۱۲- میزان سرمایه‌گذاری درآمد حاصل از کشاورزی در روستا ۱۳- میزان استفاده از مراتع مشاع	
رابطه تولید محصول کشاورزی غالب	کاشت	۱- حساسیت در انتخاب تراکتورچی و کیفیت شخم ۲- رعایت زمان مناسب شخم ۲- انجام عملیات تسطیح زمین ۳- انجام عملیات حذف سنگ و کلوخ از زمین ۴- رعایت زمان مناسب بذرآشانی ۵- استقبال از بذرهای اصلاح‌شده
	داشت	۱- سم مصرفی (لیتر/ هکتار) ۲- کود مصرفی (کیلوگرم/ هکتار) ۳- استفاده از کود حیوانی (کیلوگرم/ هکتار) ۴- خسارت‌پذیری محصول بر اثر آتش‌سوزی و آفت ۵- مبارزه با علف‌های هرز
	برداشت	۱- رعایت زمان مناسب برداشت ۲- دقت و حساسیت در انتخاب راننده کمباین ۳- نظارت مستقیم بهره‌بردار بر کیفیت برداشت محصول به وسیله راننده کمباین ۴- ضایعات محصول در حین برداشت ۵- تولید به ازای هکتار
	پس از برداشت	۱- نحوه برخورد با بقایای مزرعه پس از برداشت (بدون استفاده رهاکردن- استفاده به‌عنوان ته‌چر- اجاره به دامداران- آتش‌زدن- شخم‌زدن) ۲- رعایت زمان مناسب برای فروش محصول ۳- فروش محصول به قیمت مناسب

۱- مؤسسه تحقیقات دامپروری، واحد دامی در ایران را معادل یک گوسفند به وزن ۴۵ تا ۵۰ کیلوگرم و سایر انواع دام از قبیل بز، گاو بومی، گاو دورگ، گاو اصیل و شتر را به ترتیب معادل ۸/۰، ۵، ۷/۵، ۱۲/۵ و ۱۲/۵ واحد دامی اعلام کرده است (ارزانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸).

است (جدول ۳).

جدول ۳- وضعیت شغلی کشاورزان غایب و ساکن روستا (درصد)

در مقابل در حالی که سکنه روستا، شغل فرعی نداشتند، حدود ۶۳ درصد گروه دوم در مشاغل نظیر کارگر ساختمانی و مغازه‌داری اشتغال داشتند و تفاوت معنادار دو گروه از طریق آزمون من‌ویتنی تأیید شده

شرح	محل سکونت		آزمون من‌ویتنی
	روستا	شهر	
تولید اصلی	۲،۹	۰	مقدار U = ۶۵۵،۰۰ معناداری = ۰،۰۰۰
	۹۲،۱	۵،۶	
	۵	۹۴،۴	
تولید فرعی	۱۰۰	۱۶،۷	مقدار U = ۱۰۵۰،۰۰ معناداری = ۰،۰۰۰
	۰	۳۳،۳	
	۰	۷،۸	
	۰	۱۲،۲	
	۰	۳۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

• مالکیت و تصرف

از نظر مالکیت اراضی زراعی و دیم، میزان زمین دو گروه تقریباً برابر بوده است و وضعیت بهره‌برداران ساکن شهر و روستا تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. نتیجه آزمون تی مستقل نیز این نکته را تأیید می‌کند و در هر دو مورد تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد؛ اما در مورد اراضی آبی هر چند میزان آن در هر گروه اندک است، اما در هر حال تفاوت دو گروه در

خور توجه است. به گونه‌ای که ۵۴ درصد بهره‌برداران مقیم روستا دارای اراضی آبی هستند. این رقم در مورد گروه ساکن شهر حدود ۳۷ درصد است. آزمون تی مستقل نیز نشان می‌دهد، در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین بهره‌برداران غایب و حاضر تفاوت معنادار وجود دارد. نتیجه همین آزمون در مورد اراضی باغی نیز گویای اختلاف معنادار گروه‌های مورد بررسی است.

جدول ۴- مقایسه کشاورزان غایب و ساکن روستا برحسب وضعیت مالکیت و اجاره اراضی

متغیر	آماره		آزمون لوین		سطح معناداری
	مقدار F	معناداری	مقدار t	درجه آزادی	
راضی زراعی	۴,۰۷۸	۰,۰۴۵	۱,۸۹۵	۲۲۶,۹۲۵	۰,۰۵۹
راضی آبی	۶,۱۰۱	۰,۰۱۴	۳,۰۳۵	۲۲۷,۰۶۱	۰,۰۰۳
راضی دیم	۱,۹۶۰	۰,۱۶۳	۰,۷۰۶	۲۲۸	۰,۴۸۱
راضی باغی	۱۰,۴۲۱	۰,۰۰۱	۲,۷۶۳	۱۷۴,۲۳۷	۰,۰۰۶
جاره به دیگران	۱۲,۹۶۹	۰,۰۰۰	-۱,۴۷۰	۹۹,۰۰	۰,۱۴۵
جاره از دیگران	۰,۰۰۰	۰,۹۸۷	-۰,۲۲۵	۲۲۸	۰,۸۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش

راضی کشاورزی نیز بیانگر نبود اختلاف معنادار بین دو گروه بهره‌بردار ساکن شهر و روستاست. این بدان معناست که شغل اصلی و محل اتکای درآمدی گروه ساکن شهر همانند همگان ساکن روستا، کشاورزی بوده است و کمتر اراضی خود را به غیر اجاره می‌دهند (جدول ۴).

سطح معناداری به دست آمده برابر ۰/۰۶۰ به دست آمد و گویای نبود تفاوت معنادار بین دو گروه بود.

در زمینه مالکیت منزل مسکونی در روستا در حالی که ۷۱ درصد بهره‌برداران ساکن شهر خانه در روستا نداشته‌اند، این رقم برای گروه مقیم روستا کمتر از ۱/۵ درصد است. نتیجه آزمون من ویتنی نیز یافته‌های توصیفی را تأیید می‌کند و مقدار U برابر ۱۹۱۰/۰۰ و

مصاحبه‌های محلی انجام شده نیز گویای آن است که به دلیل سختی رسیدگی به اراضی آبی و باغ، این اراضی را معمولاً مالک می‌فروشد و مبالغ آن را به عنوان سرمایه به شهر منتقل می‌کند. در برخی موارد نیز کشاورز غایب حق‌آبه را به فروش می‌رساند، کاربری زمین را تغییر می‌دهد و آن را تبدیل به دیمزار و کشت گیاهان یکساله می‌کند. بررسی وضعیت اجاره هر دو گروه مورد بررسی از لحاظ مالکیت چاه عمیق و نیمه عمیق وضعیتی مشابه دارند، به گونه‌ای که حدود ۷۶ درصد بهره‌برداران ساکن روستا و ۸۶ درصد بهره‌برداران ساکن شهر امکان یاد شده را ندارند. نتیجه آزمون تی مستقل نیز نشان می‌دهد، مقدار آزمون لوین کمتر از ۰/۰۰۰ و در نتیجه واریانس دو گروه برابر است. با این وصف، مقدار تی برابر ۱/۸۱۱ و

معنادار بین دو گروه است. به گونه‌ای که مقدار U برابر $۵۴۶۵/۰۰$ و سطح معناداری به دست آمده، کمتر از $۰/۰۲۷$ و مؤید وجود تفاوت در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. دلیل این وضعیت از بعد روان‌شناختی الزام‌های زندگی شهری و نیز رفت و آمد بیشتر بهره‌برداران ساکن شهر و در نتیجه اهمیت دادن بیشتر به مالکیت وسیله نقلیه شخصی است.

برای سنجش مکانیزاسیون کشاورزی در گروه‌های پژوهش، وضعیت مالکیت و اجاره انواع ماشین‌آلات کشاورزی (تراکتور، دیسک، موتورپمپ، بذریاش، کودپاش، سم‌پاش، کمباین و خرم‌نکوب) بررسی شد. برای رعایت اختصار در ارائه نتایج، امتیاز مالکیت یا اجاره هر یک از ادوات یادشده محاسبه و مجموع امتیازهای به دست آمده با عنوان امتیاز سطح مکانیزاسیون تحلیل نهایی شد.

جدول ۵- گروه‌های بررسی بر حسب امتیاز مکانیزاسیون کشاورزی (درصد)

مکانیزاسیون	ساکن روستا	ساکن شهر	آزمون تی مستقل
کمتر از ۱۰	۵۳,۶	۸۴,۴	مقدار $T = ۶,۲۹۰$ معناداری $= ۰,۰۰۰$
۱۱-۲۰	۱۷,۹	۱۰	
۲۱-۳۰	۱۹,۳	۵,۶	
۳۱-۴۰	۶,۴	-	
۴۱-۵۰	۲,۱	-	
بیشتر از ۵۰	۰,۷	-	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

شد، نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. به بیان دیگر، در حالی که گروه ساکن روستا مالک بخش درخور توجهی از ماشین‌آلات کشاورزی مورد نیاز خود هستند، کشاورزان غایب یا بهره‌برداران مقیم شهر عمده نیاز خود را در این زمینه اجاره می‌کنند. این مسئله، بر

سطح معناداری به دست آمده کمتر از $۰/۰۰۰$ است. بررسی سنوات ساخت منازل مسکونی گروه‌های مورد بررسی نیز نشان‌دهنده اختلاف در خور توجهی است؛ به گونه‌ای که میانگین سال‌های ساخت منازل مسکونی گروه مقیم روستا حدود ۱۳ سال و این رقم برای ۲۶ خانوار ساکن شهر که در روستا خانه دارند، حدود ۲۶ سال است. نتیجه آزمون تی مستقل با فرض نابرابری واریانس دو گروه نیز مؤید تفاوت معنادار آنها در سطح اطمینان ۹۹ درصد است (مقدار $T = ۱۰/۸۲۶$ ؛ معناداری $= ۰/۰۰۰$). این بدان معناست که گروه ساکن شهر، بخش قابل توجه مازاد اقتصادی حاصل از فرایند تولید را به خارج روستا انتقال داده است و رغبت چندانی به ساخت و تعمیر منزل در روستا ندارد.

از نظر مالکیت وسیله نقلیه شخصی حدود ۸۱ درصد پاسخگویان ساکن شهر اتومبیل سواری یا وانت دارند. این نسبت در مورد گروه مقیم روستا، حدود ۶۸ درصد است. نتیجه آزمون من‌ویتنی نیز نشان‌دهنده اختلاف

با این توصیف همان گونه که ملاحظه می‌شود، حدود $۸۴/۵$ درصد بهره‌برداران مقیم شهر در زمینه مکانیزاسیون کمتر از ۱۰ امتیاز کسب کرده‌اند. در حالی که این رقم برای گروه ساکن روستا $۵۳/۶$ درصد است. آزمون تی مستقل نیز با فرض نابرابری واریانس‌های دو گروه که از طریق آزمون لوین تأیید

کیفیت کار در مراحل کاشت، داشت و برداشت و زمان‌بندی امور زراعی تأثیر منفی دارد و هزینه تولید را افزایش می‌دهد (جدول ۵).

• تولید و درآمد

مقایسه دو گروه بررسی از بعد منابع درآمد خانوار نشان‌دهنده تنوع بیشتر در بهره‌برداران ساکن روستاست؛ به گونه‌ای که حدود ۸۷ درصد ایشان در کنار زراعت به نسبت‌های گوناگون به دامداری، باغداری و پرورش زنبور عسل می‌پردازند. در حالی که ۹۴/۵ درصد بهره‌برداران ساکن شهر، صرفاً به زراعت می‌پردازند. میزان آیش‌گذاری زمین در هر دو گروه اندک است و فقط ۱۷/۵ درصد کل پاسخگویان بخشی از زمین خود را استراحت می‌دهند. این میزان در مورد گروه مقیم روستا حدود ۲۶/۵ درصد و در مورد بهره‌برداران ساکن شهر حدود ۳ درصد و گویای آیش‌گذاری بیشتر در گروه اول است. آزمون تی مستقل نیز نشان‌دهنده تفاوت بین دو گروه است و مقدار تی با فرض نابرابری واریانس گروه‌ها، برابر ۴/۴۸۳ و سطح معناداری به دست آمده کمتر از ۰/۰۰۱

و مؤید اختلاف دو گروه است.

از نظر رعایت تناوب زراعی که تأثیر بسزایی در حفظ حاصلخیزی خاک، کاهش آفات و بازدهی تولید دارد، عملکرد دو گروه متفاوت بوده است؛ به گونه‌ای که حدود ۷۹ درصد گروه ساکن روستا، این مسئله را در حد زیاد و خیلی زیاد رعایت می‌کردند. این رقم برای بهره‌برداران ساکن شهر حدود ۱۷ درصد بوده است. آزمون من‌ویتنی نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد، مؤید اختلاف بین دو گروه مورد بررسی است. با توجه به محدودیت منابع آب و دیمزار بودن بخش عمده اراضی کشاورزی جامعه مورد بررسی، کشت دوم صرفاً در مورد اراضی آبی موضوعیت می‌یابد. با وجود این، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه مورد مطالعه مشاهده می‌شود. چنانکه، فقط ۲ درصد بهره‌برداران مقیم شهر اقدام به کشت دوم می‌کنند؛ اما این رقم در مورد بهره‌برداران ساکن روستا ۲۲ درصد است. نتیجه آزمون من‌ویتنی نیز مؤید وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۵ درصد است (جدول ۶).

جدول ۶- مقایسه کشاورزان غایب و ساکن روستا

بر حسب وضعیت تولید

متغیر	آماره	مقدار U من‌ویتنی	معناداری
میزان رعایت تناوب زراعی		۱۶۱۴,۵۰۰	۰,۰۰۰
انجام کشت دوم		۵۰۴۵,۰۰۰	۰,۰۰۰
میزان استفاده از کارگر روزمزد		۷۶۷,۰۰۰	۰,۰۰۰
میزان بیمه محصولات		۴۹۷۵,۰۰۰	۰,۰۰۰
میزان حضور در کلاس‌های ترویجی		۵۹۷۹,۵۰۰	۰,۱۲۸
میزان استفاده از مراتع مشاع روستا		۷۵۹,۰۰۰	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌ها نشان می‌دهد، فقط ۱ درصد بهره‌برداران مقیم روستا از کارگران روزمزد استفاده می‌کنند و عمدتاً متکی به نیروی خانوار هستند. در مقابل ۳۹ درصد

بررسی میزان استفاده از نیروی کار دستمزدی علاوه بر تعیین درجه اتکا به نیروی کار خانوار به لحاظ تأثیری که بر هزینه تولید دارد، حایز اهمیت است.

برقرار است و نتیجه آزمون من‌ویتی نیز نشان‌دهنده نبود تفاوت معنادار بین دو گروه است (جدول ۶).

همان‌گونه که فعالیت دامداری در میان کشاورزان غایب بسیار اندک است، میزان استفاده آنها از مراتع مشاع روستا نیز ناچیز است. یافته‌ها نشان می‌دهد، حدود ۹۲ درصد گروه یادشده هیچ‌گونه استفاده‌ای از مراتع روستا ندارند. در مقابل ۶۲ درصد پاسخگویان مقیم روستا در حد زیاد یا خیلی زیاد از این مراتع بهره‌برداری می‌کنند. آزمون من‌ویتی نیز مؤید وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. در همین رابطه به تعداد واحد دامی بهره‌برداران دو گروه نیز توجه شده است. در حالی که ۹۱ درصد پاسخگویان ساکن شهر واحد دامی ندارند، حدود ۷۸/۵ درصد بهره‌برداران ساکن روستا مالک ۳۰ تا ۹۰ واحد دامی هستند. نتیجه آزمون تی مستقل نیز با تأیید فرض نابرابری واریانس‌ها، نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است (مقدار $t = 16/441$ ؛ سطح معناداری = $0/000$). این بر وضعیت شرایط درآمد گروه‌های مورد مطالعه نیز تأثیر می‌گذارد. به گونه‌ای که ۸۸ درصد گروه ساکن شهر درآمد سالانه خود را کمتر از ۵ میلیون تومان اظهار کرده‌اند. در حالی که این رقم برای گروه مقیم روستا حدود ۶۱ درصد است. همچنین درآمد سالانه ۶ تا ۱۰ میلیون تومان برای گروه اول حدود ۱۲ درصد و در مورد گروه دوم حدود ۳۳ درصد پاسخگویان را در بر می‌گیرد. آزمون تی مستقل نیز با تأیید فرض نابرابری واریانس‌ها تفاوت معنادار دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید می‌کند (مقدار $t = 7/040$ ؛ سطح معناداری = $0/000$).

بررسی سهم انواع فعالیت در درآمد خانوار نیز

گروه ساکن شهر در حد زیاد و خیلی زیاد متکی به نیروی کار مزدبگیر هستند و اتکای کمتری به نیروی کار خانوار دارند. با در نظر گرفتن اینکه گروه اخیر معمولاً فعالیت باغداری و دامداری نیز ندارند، که کار برتر هست، رقم یادشده در مورد زراعت غلات که عموماً کاربری کمتری دارد، در خور توجه است. آزمون من‌ویتی نیز نشان‌دهنده اختلاف معنادار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است (جدول ۶).

نظر به اهمیت بیمه محصولات کشاورزی در کاهش خسارات تولید و افزایش امنیت مالی تولیدکنندگان روستایی، وضعیت بیمه در گروه‌های مورد پژوهش بررسی شد. متأسفانه ۷۶ درصد کل پاسخگویان (۲۳۰ بهره‌بردار) بیمه محصول نداشته‌اند. انتظار می‌رفت میزان بیمه‌پذیری در گروه ساکن شهر با توجه به آشنایی بیشتر با فرهنگ بیمه در قیاس با همگان روستایی بیشتر باشد؛ اما در عمل مشخص شد، نسبت یادشده در گروه مقیم روستا بیشتر است. به گونه‌ای که این نسبت حدود ۳۲ در مقابل ۱۱ درصد است. آزمون من‌ویتی نیز مؤید وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. شرکت در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی - ترویجی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم بررسی نشان‌دهنده میزان توجه بهره‌برداران به یادگیری و اجرای روش‌های نوین تولید و تکنیک‌های بهبود فرایندها و ابزار است. در این ارتباط، مشکل محدوده بررسی بیش از هر چیز نبود یا محدودیت شدید چنین دوره‌هایی است. چنانکه ۹۳/۵ درصد کل پاسخگویان در این گونه دوره‌ها و کلاس‌ها شرکت نکرده‌اند و دلیل اصلی آن را برگزار نکردن از سوی مسئولان دانسته‌اند. نسبت یادشده با اندکی تفاوت در مورد هر دو گروه ساکن شهر و روستا

سالانه خود را از این فعالیت تأمین می‌کنند. در حالی که این رقم برای گروه مستقر در روستا حدود ۳۴ درصد است.

جدول ۷- مقایسه گروه‌های بررسی بر حسب سهم فعالیت در درآمد و سرمایه‌گذاری در روستا

معناداری	مقدار U من‌وینتی	آماره متغیر
۰,۰۰۰	۴۱۲۴,۰۰۰	سهم زراعت و باغداری در درآمد خانوار
۰,۰۰۰	۷۵۲,۵۰۰	سهم دامداری در درآمد خانوار
۱,۰۰۰	۶۳۰۰,۰۰۰	سهم صنایع دستی در درآمد خانوار
۰,۰۰۰	۷۵۷,۰۰۰	سرمایه‌گذاری درآمد کشاورزی در روستا

منبع: یافته‌های پژوهش

می‌کنند، این میزان برای گروه مستقر در روستا حدود ۱۱ درصد است. همچنین ۶۳ درصد اعضای این گروه ۵۰ تا ۹۵ درصد درآمد حاصله را در روستا سرمایه‌گذاری می‌کنند. آزمون من‌وینتی نیز با سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو گروه از بعد میزان سرمایه‌گذاری درآمد کشاورزی در روستاست (جدول ۷).

• فرایند تولید محصول غالب

علاوه بر تفاوت‌های یادشده در زمینه مالکیت، تنوع تولید، منابع درآمد، سرمایه‌گذاری و...، پژوهشگر در پی شناسایی تفاوت عملکرد و کیفیت کار گروه‌های مورد مطالعه در رابطه با فرایند تولید محصولات کشاورزی در مراحل کاشت، داشت، برداشت و اقدامات پس از برداشت بوده است. نظر به اینکه محصولات گوناگون کشاورزی از نظر مراحل یادشده ویژگی‌های اختصاصی داشتند و بررسی موضوع به

مؤید یافته‌های یادشده و نشان‌دهنده تفاوت وضعیت گروه‌های مورد مطالعه است. چنانکه سهم زراعت و باغداری در درآمد کشاورزان غایب کمتر از همگنان مقیم روستاست؛ به طوری که حدود ۶۵/۵ درصد بهره‌برداران گروه یادشده کمتر از ۳۰ درصد درآمد

این وضعیت در مورد سهم دامداری در درآمد خانوار تشدید می‌شود، به ترتیبی که ۹۱ درصد پاسخگویان ساکن شهر، هیچ درآمدی از محل این فعالیت کسب نکرده‌اند. در مقابل ۶۶/۵ درصد از گروه مقیم در روستا ۳۰ تا ۹۰ درصد درآمد خویش را از ناحیه دامداری تأمین کرده‌اند. نتایج آزمون من‌وینتی نیز مؤید وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است؛ اما نکته درخور تأمل آن است که با وجود ظرفیت‌های قابل توجه روستاهای منطقه در زمینه صنایع دستی، این فعالیت در هر دو گروه بررسی، هیچ سهمی در تأمین درآمد خانوار نداشتند و آزمون من‌وینتی نیز تفاوت معناداری را نشان نداده است. گروه‌های مورد بررسی از نظر میزان سرمایه‌گذاری درآمد حاصل از کشاورزی در روستا نیز رفتار متفاوتی را بروز داده‌اند. در حالی که ۹۴/۵ درصد از کشاورزان غایب کمتر از ۱۵ درصد درآمد حاصل از کشاورزی را در روستا سرمایه‌گذاری

شکل کلی مقدور نبود، دامنه بررسی به محصول غالب کشاورزی محدود شد که در محدوده بررسی عمدتاً گندم است. با این وصف، فقط ۴۲ درصد کل پاسخگویان در اندازه‌های گوناگون دارای سطح زیر کشت گندم آبی بوده‌اند و بدین لحاظ شاخص‌های کیفیت آبیاری فقط در مورد این گروه قابل اندازه‌گیری بود. در میان بهره‌برداران دارای گندم آبی، گروه ساکن روستا به‌طور متوسط حدود ۴ نوبت و کشاورزان غایب حدود ۲ نوبت زمین خود را آبیاری می‌کنند. نتیجه آزمون تی مستقل نیز با فرض نابرابری واریانس نشان‌دهنده تفاوت معنادار دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در زمینه دفعات آبیاری است. حدود ۸۵ درصد بهره‌برداران ساکن شهر میزان دقت و نظارت خویش بر عملیات آبیاری را کم تا متوسط و ۸۷ درصد همگنان روستانشین آنها در حد زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. آزمون من‌ویتنی نیز مؤید تفاوت دو گروه بوده است و مقدار U برابر $218/500$ و سطح معناداری حاصله کمتر از $0/001$ و به معنای وجود تفاوت در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. همچنین بر خلاف انتظار، استفاده از روش‌های آبیاری نوین نیز در گروه ساکن شهر، بهتر از کشاورزان مقیم روستا نبوده است. به گونه‌ای که ۸۲ درصد اعضای این گروه، استفاده از روش‌های یادشده را در حد خیلی کم ارزیابی می‌کردند. البته استفاده $81/5$ درصد گروه ساکن روستا نیز در حد کم و خیلی کم بوده است و در نتیجه هر دو گروه استقبال قابل قبولی از روش‌های آبیاری نوین نداشته‌اند که عوامل آن مستلزم بررسی جداگانه است. مقدار U من‌ویتنی نیز برابر $678/500$ و سطح معناداری حاصله کمتر از $0/001$ بوده و به معنای وجود تفاوت بین دو گروه در سطح

اطمینان ۹۹ درصد است. برای رعایت اختصار، شاخص‌های هر یک از مراحل کاشت، داشت، برداشت و پس از برداشت (معرفی شده در جدول ۲) جمع‌بندی و در قالب ۴ مؤلفه با عنوان مراحل یادشده ارائه شده است. نتیجه بررسی گروه‌های دوگانه نشان می‌دهد، ارزیابی ۶۰ درصد بهره‌برداران غایب از کیفیت عملیات کاشت در حد خیلی ضعیف بوده است. در حالی که حدود ۷۳ درصد پاسخگویان روستانشین کیفیت این مرحله را در حد خوب و خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند. آزمون من‌ویتنی نیز با سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو گروه از بعد کیفیت کاشت محصول غالب است. از نظر کیفیت داشت محصول در حالی که عملکرد حدود ۷۶ درصد بهره‌برداران ساکن روستا خوب است، این رقم برای گروه شهرنشین برابر $3/3$ درصد است و حدود $35/5$ درصد پاسخگویان این گروه عملکرد ضعیفی داشته‌اند. نتیجه آزمون من‌ویتنی نیز مؤید وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. حدود ۸۳ درصد کشاورزان غایب در زمینه کیفیت برداشت محصول عملکردی متوسط داشتند. در مقابل ۷۵ درصد همگنان روستانشین ایشان عملکرد خویش را در این رابطه خوب ارزیابی می‌کردند. آزمون من‌ویتنی هم در سطح اطمینان ۹۹ درصد مؤید وجود تفاوت معنادار بین دو گروه از نظر کیفیت برداشت محصول است. در مورد کیفیت شرایط پس از برداشت (نحوه استفاده از بقایای محصول، شرایط فروش محصول و...) نیز عملکرد حدود ۲۳ درصد بهره‌برداران شهرنشین ضعیف و خیلی ضعیف بوده است و ۷۰ درصد ایشان عملکرد

جدول ۹- عوامل مؤثر بر وضعیت تولید کشاورزان

غایب

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	معناداری
فاصله تا روستا	میزان اراضی زراعی	-۰,۲۳۰	۰,۰۲۹
	کیفیت کاشت محصول	-۰,۲۸۴	۰,۰۰۷
سال‌های سکونت در شهر	کیفیت پس از برداشت	-۰,۲۰۹	۰,۰۴۸
	میزان اراضی زراعی	۰,۴۴۷	۰,۰۰۰
ماه‌های اقامت در روستا	کیفیت کاشت محصول	۰,۳۴۹	۰,۰۰۱
	کیفیت برداشت محصول	۰,۲۱۵	۰,۰۴۱
	کیفیت پس از برداشت	۰,۲۵۴	۰,۰۱۶
میزان اراضی زراعی	کیفیت کاشت محصول	۰,۴۵۹	۰,۰۰۰
	کیفیت برداشت محصول	۰,۲۹۶	۰,۰۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین «فاصله شهر محل سکونت تا روستا» و «میزان اراضی زراعی» ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. این بدان معناست که افزایش فاصله به‌عنوان عامل محدودکننده نظارت و کنترل بر فرایند تولید موجب می‌شود بهره‌بردار بخش بیشتری از اراضی خویش را به دیگران واگذار کرده یا بایر رها کند. همچنین، این عامل بر کیفیت کاشت محصول نیز تأثیر منفی داشته است. به گونه‌ای که بین

متوسطی داشته‌اند. در حالی که بیش از ۷۶ درصد گروه ساکن روستا در این زمینه عملکرد خود را خوب ارزیابی می‌کردند. نتیجه آزمون من‌ویتنی در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو گروه از نظر کیفیت عملکرد پس از برداشت محصول گندم است (جدول ۸).

جدول ۸- مقایسه گروه‌های بررسی بر حسب

کیفیت تولید محصول غالب (درصد)

مراحل	مقدار U من‌ویتنی	معناداری
کاشت	۱۰۷۷,۰۰۰	۰,۰۰۰
داشت	۱۱۶۵,۵۰۰	۰,۰۰۰
برداشت	۲۱۴۷,۰۰۰	۰,۰۰۰
پس از برداشت	۱۵۵۸,۵۰۰	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

گروه کشاورزان غایب (شهرنشین) بنابر عوامل گوناگون از جمله برخورداری از امکانات و خدمات شهری، تحصیل فرزندان، دسترسی به فرصت‌های جدید اقتصادی-اجتماعی و... روستانشینی دایمی را ترک گفته‌اند و در عین حال برای حفظ معیشت و درآمد خویش به ناچار یا به اختیار ارتباط اقتصادی و تولیدی خود را با روستا حفظ کرده‌اند. این گروه که در شرایط انتقالی و گذار به سر می‌برند، با اتخاذ راهبردها و راهکارهای گوناگون، فعالیت اقتصادی و تولید خود در روستا را استمرار بخشیده‌اند. هر چند شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار و عملکرد ایشان مستلزم بررسی جداگانه‌ای است، پژوهش حاضر سعی کرده است تا حدی به روشن نمودن برخی روابط و آگاهی از بعضی عوامل مؤثر در این زمینه پردازد. در این راستا از آزمون همبستگی بهره‌گیری شده است.

دنبال می‌کند و به عبارتی به خصیصه‌های کشاورزی تخصصی نزدیک‌تر می‌شود. البته در این رابطه می‌توان به صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در واحدهای بزرگ‌تر و تأثیر آن در به‌کارگیری روش‌های نوین نیز اشاره کرد که موجب کیفیت بهتر عملکرد در مراحل تولید محصول می‌شود (جدول ۹).

نتیجه‌گیری

روستای امروز در سایه پیشرفت فناوری حمل و نقل و ارتباطات و گسترش تبادلات گوناگون فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بسیار پویاتر و متحول‌تر از گذشته است. در چنین بستری نه تنها دوگانه‌انگاری شهر-روستا مفهوم سنتی خود را از دست می‌دهد، بلکه یکسان‌نگری به گروه‌ها و اقشار اجتماعی درون روستا نیز رنگ می‌بازد. بیش از هر زمان دیگر مکان‌گزینی کارکردهای اساسی زندگی محدود به یک مکان جغرافیایی خاص نیست و در نتیجه، خانوارهای روستایی چندفضایی شکل گرفته‌اند. خانوارهایی که به فراخور اوضاع و احوال جدید، راهبردهای معیشتی متنوعی را اتخاذ کرده‌اند. شکل‌گیری کشاورزان غایب (شهرنشین)، نمونه بارز تحول یادشده است. حضور فصلی این گروه در روستا، الگوی متفاوتی از بهره‌برداری از منابع آب و خاک روستا را ایجاد کرده است که تمایزهای آشکاری با کشاورزان ساکن روستا دارد. این الگو از بعد سازماندهی و بهره‌وری تولید پیامدهای منفی را بروز می‌دهد که شناخت مسئله را بیش از پیش ضروری ساخته است و پژوهش حاضر تلاشی در این زمینه است.

یافته‌های پژوهش نشان داد، فعالیت‌های باغداری و دامداری در گروه کشاورزان غایب به‌شدت کمتر از

«فاصله شهر محل سکونت تا روستا» و کیفیت کاشت محصول در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، بهره‌بردار به نسبت افزایش فاصله نتوانسته است دقت و کیفیت لازم را در کاشت محصول به خرج دهد (جدول ۹).

همچنین بین «سال‌های سکونت در شهر» و «کیفیت پس از برداشت محصول» در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط منفی و معنادار مشاهده می‌شود. این بدان معناست که عملکرد بهره‌بردار در مدیریت مرحله پس از برداشت محصول با افزایش سال‌های سکونت رو به ضعف بوده است و نتوانسته در زمینه استفاده از بقایای مزرعه و نحوه فروش و بازاریابی محصول شرایط مطلوبی داشته باشد. همچنین بین «ماه‌های سکونت در روستا» و «میزان اراضی زراعی» پاسخگویان ارتباط مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. به عبارت بهتر، آن عده از بهره‌برداران شهرنشین که توانسته‌اند ماه‌های بیشتری در روستا اقامت گزینند، اراضی خویش را بهتر حفظ کرده‌اند. علاوه بر این بین «ماه‌های سکونت در روستا» و «کیفیت کاشت، برداشت و پس از برداشت» محصول به ترتیب در سطوح اطمینان ۹۹، ۹۵ و ۹۵ درصد ارتباط مثبت و معنادار مشاهده می‌شود. به بیان بهتر، ماه‌های بیشتر اقامت فصلی در روستا موجب عملکرد بهتر بهره‌بردار در مراحل کاشت، برداشت و پس از برداشت می‌شود. همچنین، بین «میزان اراضی زراعی» و «کیفیت کاشت و برداشت محصول» در سطح اطمینان ۹۹ درصد ارتباط مثبت و معنادار مشاهده می‌شود. این بدان معناست که هرچه میزان اراضی زراعی کشاورز غایب بیشتر باشد، سهم کشاورزی در درآمد خانوار بیشتر بوده است و او کشاورزی را با دقت و کیفیت بیشتری

روستا مالک بخش درخور توجهی از ماشین‌آلات کشاورزی مورد نیاز خود هستند، بهره‌برداران مقیم شهر عمده‌ی نیاز خود را در این زمینه اجاره می‌کنند. این مسئله، کیفیت تولید و زمانبندی امور زراعی را متأثر می‌سازد و با یافته‌های Kada, 1982؛ Grigg, 1984؛ Bakker & Van Doorn, 2009 مطابقت دارد.

حدود ۷۹ درصد گروه ساکن روستا، تناوب زراعی را در حد زیاد و خیلی زیاد رعایت می‌کردند. این رقم برای بهره‌برداران غایب حدود ۱۷ درصد بوده است. همچنین فقط ۲ درصد کشاورزان غایب اقدام به کشت دوم می‌کنند. اما این رقم در مورد بهره‌برداران ساکن روستا ۲۲ درصد است که با یافته‌های Kada, 1982؛ Bakker & Van Doorn, 2009؛ Grigg, 1984، مطابقت دارد. فقط ۱ درصد بهره‌برداران مقیم روستا از کارگران روزمزد استفاده می‌کنند و عمدتاً متکی به نیروی خانوار هستند. در مقابل، ۳۹ درصد گروه ساکن شهر در حد زیاد و خیلی زیاد متکی به نیروی کار مزدبگیر هستند و اتکای کمتری به نیروی کار خانوار دارند که یافته‌های Schmitt, 1984 و Mbonile, 2003 را تأیید می‌کنند.

میزان بیمه‌پذیری در کشاورزان ساکن شهر به‌رغم آشنایی بیشتر با فرهنگ بیمه در قیاس با همگنان روستایی، کمتر بوده است. به گونه‌ای که این نسبت حدود ۱۱ در مقابل ۳۲ درصد است. علاوه بر این، شرایط درآمد کشاورزان غایب ضعیف‌تر از همگنان مقیم روستاست. به گونه‌ای که ۸۸ درصد گروه ساکن شهر، درآمد سالانه خود را کمتر از ۵ میلیون تومان اظهار کرده‌اند. این رقم برای گروه مقیم روستا حدود ۶۱ درصد است. از نظر میزان سرمایه‌گذاری درآمد حاصل از کشاورزی در روستا، در حالی که ۹۴/۵

همگنان ساکن روستا بوده است و حدود ۹۴ درصد آنها صرفاً به زراعت اشتغال دارند که یافته‌های Kada, 1982؛ Bakker & Van Doorn, 1984؛ Grigg, 2009؛ Mbonile, 2003؛ و بیات و همکاران، ۱۳۹۰ را تأیید می‌کند. در مقابل، در حالی که سکنه روستا شغل فرعی نداشتند، گروه دوم در مشاغل نظیر کارگر ساختمانی و مغازه‌داری اشتغال داشتند. اراضی آبی کشاورزان غایب کمتر از بهره‌برداران مقیم روستا بود (به ترتیب ۵۴ به ۳۷ درصد). آزمون تی مستقل نیز نشان‌دهنده آن است که بین بهره‌برداران غایب و ساکن روستا تفاوت معنادار وجود دارد. نتیجه همین آزمون در مورد اراضی باغی نیز گویای اختلاف معنادار گروه‌های یاد شده است.

در حالی که ۷۱ درصد بهره‌برداران ساکن شهر، در روستا خانه نداشتند، این رقم برای گروه مقیم روستا کمتر از ۱/۵ درصد است؛ میانگین سال‌های ساخت منازل مسکونی گروه مقیم روستا حدود ۱۳ سال بوده است و این رقم برای ۲۶ خانوار ساکن شهر که در روستا خانه دارند، حدود ۲۶ سال است. به عبارتی، کشاورزان غایب، بخش قابل توجه مازاد اقتصادی حاصل از فرایند تولید را به خارج روستا انتقال داده‌اند و رغبت به ساخت و تعمیر منزل در روستا ندارند. از نظر مالکیت وسیله نقلیه شخصی حدود ۸۱ درصد پاسخگویان ساکن شهر دارای اتومبیل سواری یا وانت هستند. این نسبت در مورد گروه مقیم روستا حدود ۶۸ درصد است.

حدود ۸۴/۵ درصد کشاورزان غایب در زمینه مکانیزاسیون کمتر از ۱۰ امتیاز کسب کرده‌اند. در حالی که، این رقم برای گروه ساکن روستا ۵۳/۶ درصد است. به بیان دیگر، در حالی که گروه ساکن

محصول» رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، بهره‌بردار به نسبت افزایش فاصله، اراضی کمتری را زیر کشت برده است و در مرحله کاشت محصول نیز نتوانسته دقت و کیفیت لازم را به خرج دهد که یافته‌های Mbonile, 2003 را تأیید می‌کند. همچنین بین «سال‌های سکونت در شهر» و «کیفیت پس از برداشت محصول»، ارتباط منفی و معنادار مشاهده شد. علاوه بر این بین «ماه‌های سکونت در روستا» و «میزان اراضی زراعی» و «کیفیت کاشت، برداشت و پس از برداشت» محصول ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارتی، ماه‌های بیشتر اقامت فصلی در روستا موجب عملکرد بهتر بهره‌بردار در حفظ اراضی زراعی و مراحل کاشت، برداشت و پس از برداشت می‌شود. همچنین بین «میزان اراضی زراعی» و «کیفیت کاشت و برداشت محصول» ارتباط مثبت و معنادار مشاهده می‌شود. این بدان معناست که هرچه میزان اراضی زراعی کشاورز غایب بیشتر باشد، سهم کشاورزی در درآمد خانوار بیشتر بوده است و او کشاورزی را با دقت و کیفیت بیشتری دنبال می‌کند.

کشاورزان غایب، راهبرد زیست و معیشت متمایزی را به منصفه ظهور رسانده‌اند و شاید بتوان شیوه بهره‌برداری آنها را به‌عنوان گونه‌ای از کشاورزی پاره‌وقت قلمداد کرد که سعی دارند، ضمن برخورداری از مزایای زندگی شهری از منابع در اختیار خود در روستا بهره‌برداری و کسب درآمد کنند. هرچند برخی صاحب‌نظران این شیوه را مرحله گذار به مهاجرت و ترک کامل روستا می‌دانند، اما همان‌گونه که بررسی حاضر نشان داد، زمان این گذار طولانی بوده است (سال‌های سکونت در شهر حداقل ۸ و حداکثر ۳۰) و ممکن است یک نسل یا بیشتر ادامه

درصد از کشاورزان غایب کمتر از ۱۵ درصد درآمد حاصل از کشاورزی را در روستا سرمایه‌گذاری می‌کنند، این میزان برای گروه مستقر در روستا حدود ۱۱ درصد است.

در میان بهره‌برداران دارای گندم آبی، گروه ساکن روستا به‌طور متوسط حدود ۴ نوبت و کشاورزان غایب حدود ۲ نوبت زمین خود را آبیاری می‌کنند. حدود ۸۵ درصد کشاورزان غایب، میزان دقت و نظارت خویش را بر عملیات آبیاری، کم تا متوسط و ۸۷ درصد همگان روستانشین آنها در حد زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. ارزیابی ۶۰ درصد بهره‌برداران غایب از کیفیت عملیات کاشت در حد خیلی ضعیف بوده است. در حالی که حدود ۷۳ درصد پاسخگویان روستانشین کیفیت این مرحله را در حد خوب و خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند. از نظر کیفیت داشت محصول در حالی که عملکرد حدود ۷۶ درصد بهره‌برداران ساکن روستا خوب است، این رقم برای گروه شهرنشین برابر ۳/۳ درصد است و حدود ۳۵/۵ درصد پاسخگویان این گروه عملکرد ضعیفی داشته‌اند. همچنین حدود ۸۳ درصد کشاورزان غایب در زمینه کیفیت برداشت محصول عملکردی متوسط داشتند. در مقابل ۷۵ درصد همگان روستانشین ایشان عملکرد خویش را در این رابطه خوب ارزیابی می‌کردند. در مورد کیفیت شرایط پس از برداشت نیز عملکرد حدود ۹۳ درصد بهره‌برداران شهرنشین متوسط و ضعیف بوده است. در مقابل بیش از ۷۶ درصد کشاورزان ساکن روستا در این زمینه عملکرد خود را خوب ارزیابی می‌کردند.

نتایج نشان داد، بین «فاصله شهر محل سکونت تا روستا» و «میزان اراضی زراعی» و نیز «کیفیت کاشت

یابد. از این رو، نمی‌توان به مسئله به‌عنوان موضوعی موقتی و زودگذر، بی‌اعتنا بود. استمرار بهره‌برداری از منابع خانوار در روستا در قیاس با متروک گذاشتن آن، نقطه قوت این شیوه است که در مورد روستاهای متروک و خالی از سکنه باید تشویق نیز شود؛ اما با توجه به عملکرد و بهره‌وری ضعیف‌تر نسبت به کشاورزان مقیم، در مورد روستاهای با منابع آب و خاک محدود و مازاد جمعیت به مانعی در مسیر توسعه روستا و کشاورزی بدل می‌شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود، در برنامه‌ریزی توسعه روستاهای کشور، شرایط جمعیتی و منابع تولیدی روستاها و نیز شناخت کامل از راهبردهای معیشتی روستاییان و آسیب‌شناسی روندهای جاری تولید و بهره‌برداری از منابع در دستور کار قرار گیرد. با توجه به مهاجرفرستی تعداد زیادی از روستاهای محدوده بررسی حاضر راهکارهای زیر در خور توجه است:

۱- توسعه امکانات و خدمات زیرساختی، آموزشی، رفاهی و...، برای کاهش فاصله استانداردهای زندگی شهر و روستا.

۲- تنوع‌بخشی به منابع درآمد و معیشت به‌ویژه توسعه مشاغل غیرکشاورزی در روستاهای مورد بررسی

۳- تشویق کشاورزان شهرنشین به واگذاری یا اجاره منابع تولیدی خود به کشاورزان ساکن در روستاهای با جمعیت مناسب و محدودیت منابع

۴- تشویق استمرار و بهره‌برداری کارآمد از منابع آب و خاک در روستاهای تخلیه‌شده یا در شرف تخلیه جمعیتی از طریق توسعه تعاونی‌های تولیدی یا شرکت‌های سهامی زراعی برای حفظ منافع اقتصادی کشاورزان غیرساکن و در عین حال اعمال مدیریت

بهبود در بهره‌برداری از منابع روستا

۵- ایجاد تشکل‌های محلی مکانیزاسیون برای کاهش هزینه و بهره‌وری بهینه از ماشین‌آلات کشاورزی

۶- کوشش برای اقتصادی کردن واحد بهره‌برداری از طریق یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی روستاهای مورد بررسی

منابع

ارزانی، حسین، ترکان، جواد. نیکخواه، علی. آذرینوند، حسین و قربانی، مهدی، (۱۳۸۹). تعیین اندازه واحد دامی و برآورد نیاز روزانه گوسفند نژاد قزل در مراتع استان آذربایجان غربی، مجله مرتع، شماره ۱۳، کرج، صص ۴۷-۵۹.

استاندارداری کرمانشاه، (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان کرمانشاه- ۱۳۹۰، معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمانشاه، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۵، <http://www.ostan-ks.ir>

بیات، ناصر، رستگار، ابراهیم، خراسانی، محمدامین، قنبری‌نسب، علی، (۱۳۹۰). شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود اقتصاد دامداری در نواحی روستایی- مطالعه موردی: روستاهای پریدر و مهدویه شهرستان ملایر، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۸، تهران، صص ۱۵۳-۱۸۱.

جمعه‌پور، محمود و تراکمه، هدایت‌عیدی، (۱۳۹۲). پژوهش کیفی درباره کیفیت زندگی مهاجران فصلی نیروی کار جوان روستایی از شهرستان کلبر به تهران، دوفصلنامه توسعه روستایی، شماره ۸، تهران، صص ۱۳۲-۱۱۱.

جمعه‌پور، محمود، (۱۳۸۴). نگرش سیستمی به روستا و توسعه روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲۹،

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵. شناسنامه آبدی‌های استان کرمانشاه- سال ۱۳۸۵، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۷، <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1042> میرزایی قلعه، فرزاد، کلانتری، بهرنگ، مولائی قلیچی، محمد، عزمی، آئیژ، (۱۳۹۲). تحلیل روابط متقابل شهر و روستا در میزان توسعه‌یافتگی روستاهای دهستان حومه، شهرستان هرسین، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۳، تهران، صص ۸۹-۱۰۰.

وودز، مایکل، (۱۳۹۰). جغرافیای روستایی- فرایندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی، ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، تعداد صفحات ۵۳۵.

Bakker, M.M & Van Doorn, A.M. (2009). Farmer-specific relationships between land use change and landscape factors: Introducing agents in empirical land use modeling, *Journal of Land Use Policy*, Vol. 26, No. 3: 809-817.

Brookfield, H. & Parsons, H. (2007). *Family Farms: Survival and Prospect- A world-wide analysis*, New York, Routledge, first Edition, 269p

Grigg, D. (1984). *An Introduction to Agricultural Geography*, London, Routledge, first Edition, 237p

Kada, R. (1982). Trends and Characteristics of Part-time Farming in Post-war Japan, *Geojournal*, Vol. 6, No. 4: 367-371

Lien, G., Kumbhakar, S.C & Hardaker, J.B. (2008). Determinants of part-time farming and its effect on farm productivity and efficiency, 107th EAAE Seminar "Modelling of Agricultural and Rural Development Policies". Sevilla, Spain, January 29th -February 1st, 2008: 1-17.

Mbonile, M. J. (2003). Absentee farmers and change of land management on Mount Kilimanjaro, Tanzania, LUCID working paper series Number 24, Nairobi, Kenya

Paudel, K.P. & Wang, Y. (2002). Part time Farming, Farm Productivity, and Farm Income: Evidence from the Southeast US, American Agricultural Economics Association's annual meeting, Long Beach,

تهران، صص ۸۰-۵۵.

رضوانی، محمدرضا، صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله، (۱۳۹۰). سنجش درجه روستاگرایی با استفاده از مدل تاپسیس فازی- مطالعه موردی: روستاهای دهستان مرکزی شهرستان خدابنده، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۵، تهران، صص ۳۱-۱.

زنگنه شهرکی، سعید، (۱۳۹۲). فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خام‌شهرها، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱۵، تهران، صص ۵۵۷-۵۳۵.

سجادی، ژیلا، شمس‌الدینی، علی و یوسفی، معصومه، (۱۳۹۰). سنجش نقش فاصله در تغییرات فضایی روستاهای دهستان نورعلی بیگ (شهرستان ساوه)، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۸، شماره ۲۱، صص ۴۹-۲۹.

شکویی، حسین، (۱۳۷۹). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ چهارم، تهران، تعداد صفحات ۵۶۸.

طاهرخانی، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، (۱۳۸۳). تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳۵، تهران، صص ۱۱۲-۷۹.

فیروزنیا، قدیر، (۱۳۸۹). تأثیر ابعاد فضایی- مکانی بر استمرار کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴۹، تهران، ۲۰-۱.

مرادی، ژیلا، (۱۳۹۱). سنجش سطوح توسعه‌یافتگی کشاورزی دهستان قراتوره، شهرستان دیواندره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، استاد راهنما: میرک‌زاده، علی‌اصغر، دانشگاه رازی کرمانشاه، گروه ترویج و آموزش کشاورزی.

- California, July 28-31, 2002.
- Petrzelkaa, P., Ma, Z. & Malin, S. (2013). The elephant in the room: Absentee landowner issues in conservation and land management, *Journal of Land Use Policy*, Vol. 30, No.1: 157-166.
- Schmitt, G. (1984). Part-time farming in the Federal republic Germany, *Land use policy*, Vol. 1, No. 2, DOI: 10.1016/0264-8377(84)90004-8: 125-133
- Upton, M. & Pearce, R. (1982). Part-time farming in Cyprus, *Agricultural administration*, Vol. 11, No. 3: 201-213